

سخن سردبیر

زین شرایط کی توان تحقیق را سودی رساند

نوحه گر گوید حدیث سوزناک

لیک کو سوز دل و دامان چاک

از محقق تا مقلد فرق هاست

کین چو داوودست و آن دیگر صداست

منبع گفتار این سوزی بود

وان مقلد کهنه آموزی بود (مولانا)

کسب معرفت در حیات انسانی به روش‌های متعددی ممکن می‌شود. تجربه، تعقل و شهود از جمله مجاری کسب معرفت می‌باشند که روش‌های تجربی، عقلانی و شهودی را در پی داشته‌اند. این روش‌ها در دوره‌های مختلف حیات جوامع بشری و در بررسی مسأله‌های گوناگون از اعتبار متفاوتی برخوردار بوده‌اند. در روش تجربی، طیف وسیعی از فعالیت‌ها دیده می‌شود که از مشاهدات ساده و سامان‌نیافته روزمره تا روش‌های نظام‌مند را دربر می‌گیرند. بکارگیری روش‌های نظام‌مند تجربه جهت کسب معرفت، «پژوهش» نام گرفته است؛ پدیده‌ای که هم دارای وجه فرایندی است و هم دارای وجه دستاوردی.

«پژوهش»^۱ تلاشی نظام‌مند برای پاسخگویی به برخی از پرسش‌هایی است که توجه آدمیان را به‌خود جلب کرده‌اند. همچنین، پژوهش یکی از انواع کوشش‌های فکری بشر است که انجام واقعی آن با تجربه‌اندوزی بشری آمیخته شده؛ و به همین دلیل، مفهوم آن با تحولات جدی مواجه بوده است. تحول پژوهش در تاریخ حیات بشر نشان می‌دهد که این تجربه بشری، به مثابه سایر تجارب، به‌طور مستمر در حال آزمون گونه‌های متعدد عمل بوده است؛ هر چند که

این گونه‌گونی ممکن است در داوری نهایی لزوماً با اعتلاء و ارزش بیشتر همراه نباشد و حتی حکایت از فراز و فرودهایی نماید.

باور به پژوهش ریشه در ویژگی «کنجکاوی بشر» و «پرسش‌های زندگی واقعی» داشته است. کنجکاوی، تمایل ذاتی بشر به دانایی است؛ و پرسش، محرک واقعی برای کسب دانایی است. با دانایی حاصل از پژوهش، آزادی به دست می‌آید؛ و این آزادی، خود فرصتی برای کسب دانایی‌های گسترده بعدی است. دانایی نه فقط به واسطه محتوا، که به دلیل طریق نیز، حائز توجه است و طریق کسب دانایی خود موضوعی برای اعتبار دانایی در دنیای کنونی محسوب می‌شود. طریق کسب دانایی در دنیای جدید، به طور کلی، «روش^۱» نام گرفته است؛ هر چند که در نگاه تحلیلی می‌توان آن را در پنج سطح شامل نظرگاه^۳، رویکرد^۴، الگو^۵، روش^۶ و فن^۷ در نظر آورد. طی دو قرن گذشته طرح موضوع روش در عرصه علوم، فرصتی ایجاد کرد تا اعتبار آن نیز مورد نظر قرار گیرد و در این باب بحث‌های جدی مطرح گردد. تجربه بشری در مواجهه با روش معتبر نشان می‌دهد که این موضوع نیز با مواضع متعدد دانشمندان آمیخته است؛ که دامنه آن از موضع «جستجوی یک روش معیار» برای علم‌جویی تا پذیرش «هر گونه تلاش برای پاسخگویی به یک پرسش» به عنوان روش، گسترده است. تلاش پر طمطراق بشر برای دستیابی به یک روش معتبر، تلاشی است که حکایت تاریخی آن آموزنده است اما از آن دستاوردی درخور برای علوم انسانی حاصل نیامد. وقتی در قرون جدید توفیقات علوم تجربی در متحول کردن زندگی مادی انسان‌ها چشم‌ها را خیره کرد و متولیان آن علوم توفیقات خود را به «روش علمی» نسبت دادند، این اشتیاق در دانشمندان علوم انسانی نیز پدید آمد تا با به‌کارگیری روش علوم تجربی مسأله‌های حوزه علمی خود را حل نمایند. اما، امروزه باور عمومی بر این است که

1. method

۲. واژه روش هم به صورت عام (ژنریک) و هم به صورت خاص مورد استفاده قرار می‌گیرد. معنای عام آن شامل همه امور مربوط به انجام پژوهش است و وقتی که مثلاً از روش‌شناسی سخن به میان می‌آید، موضوعات متعددی از جمله رویکردها، الگوها و فن‌ها را شامل است. اما روش در معنای خاص آن به فعالیت‌های مشخصی اطلاق می‌شود که در سطحی بین الگو و فن قرار می‌گیرند و دارای میزانی از تجرید هستند.

3. paradigm

4. approach

5. model

6. method

7. technique

دیگر جستجوی یک روش و به‌کارگیری روش تجربی در علوم انسانی ناممکن یا ناکارآمد است. اما، این عنایت به وحدت روش، دستاوردهایی را در پی داشت که از میان آنها در اینجا بر ویژگی «جمعی شدن» روش تأکید می‌شود؛ که مبنایی برای اعتبار آن محسوب گردیده است. این ویژگی اعلام می‌دارد روشی معتبر است که از مقبولیت عمومی برخوردار باشد؛ و وقتی می‌توان مقبولیت عمومی را بدست آورد که روش به زبانی قابل فهم در دسترس همگان قرار گیرد.

در بحث از روش‌های پژوهش، عنایت به حرکت بشر از روش‌های سازمان‌نیافته به روش‌های عقلانی، از روش‌های عقلانی به روش‌های کمی، از روش‌های کمی به روش‌های کیفی و سپس روی‌آوری به روش‌های ترکیبی و آمیخته حایز توجه است. در محور این تحول، سازمان‌یافتگی به معنای جمعی شدن روش پژوهش قرار گرفته است. به‌عبارت‌دیگر، روش پژوهش در فرایند تحولی خود، از عملی فردی و متلون به عملی جمعی و دارای قاعده برای ادراک و قضاوت اجتماع آدمیان تبدیل شده است. این جمعی شدن، البته منجر به کاهش تنوع می‌گردد ولی زبان مشترکی را فراهم آورده است تا پژوهشگران فارغ از موقعیت به درک مشترکی از دستاوردهای پژوهشی یکدیگر دست یابند. به‌همین دلیل، باید تأکید شود که تکثر روشی ناشی از روش‌های پژوهش کیفی، خروج از جمعی بودن و ورود به عرصه فردگرایی نیست؛ بلکه در روش‌های کیفی، همچنان «روش‌مندی» مطرح است و این به معنای جمعی بودن این روش‌هاست. گرچه نمی‌توان این حرکت را یک خط سیر لاجرم دانست و آن را سرنوشت محتوم همه علوم قلمداد کرد، اما دست‌کم تمایل امروز حوزه‌های علوم انسانی و علوم اجتماعی به روش‌های سازمان‌یافته و ترکیبی را می‌توان به وضوح مشاهده کرد.

باوجوداین، یکی از دستاوردهای موفقیت‌گسترده علوم تجربی، اهمیت یافتن روش در نزد عالمان بوده که مرجع اعتبار یافته‌ها را از پژوهشگر به روش پژوهش تغییر داده است. گرچه معیار علمی بودن روش، خود دارای ابهاماتی است، اما از «نظام‌یافتگی» به‌عنوان شرطی برای «بازآزمایی» می‌توان یاد کرد؛ که در حقیقت موضوع تکرار پژوهش را مطرح و ممکن می‌سازد. تکرار جز با توسل به روش ممکن نیست، به همین دلیل است که در دنیای جدید ابتدا تلاش شد تا روش پژوهش به هنگام معرفی دستاورد یک پژوهش، گزارش گردد تا مشارکت در بازسازی روش از طریق بکارگیری مجدد یا نقد آن حاصل آید (مرحله ارائه روش) و بعد تلاش شد تا روش پژوهش به کسانی که مشتاق پژوهش‌اند، آموزش داده شود تا زبان مشترک برای

فهم نتایج و انجام پژوهش شکل گیرد (مرحله آموزش روش). سپس به تدارک لوازم آموزش روش پژوهش نظر شد تا با استنتاج از گونه‌های متنوع به مفهوم‌پردازی کلی اقدام شود؛ که از جمله می‌توان به تدوین علمی-آموزشی روش‌ها اشاره کرد (مرحله تدوین روش). این سه مرحله، در فرایند به مشارکت گذاشتن روش پژوهش ظهوری آشکار دارند. با آنکه مراحل اول و دوم در فرایند پژوهش امکان تحقق می‌یابند و عملیاتی هستند، اما مرحله سوم در ورای آن رقم می‌خورد و دارای وجه نظری است.

ارائه (معرفی) روش پژوهش از جمله فعالیت‌هایی است که هر پژوهشگر به‌هنگام انتشار نتایج پژوهش خود به آن می‌پردازد. ارائه روش پژوهش، شرحی است که نشان می‌دهد در انجام واقعی یک عمل پژوهشی برای بررسی یک پرسش خاص چه اتفاقاتی افتاده، چه اقداماتی به‌انجام رسیده و چه فنونی به کار گرفته شده است. این ارائه، روایت تجربه پژوهشی پژوهشگر در پیگیری پاسخ پرسش مشخص اوست. به‌همین دلیل، ارائه روش نشان می‌دهد که روش پژوهش در هر فعالیت پژوهشی به صورت ویژه ظهور می‌یابد و از یگانگی برخوردار است. پس، می‌توان انتظار داشت تا در ذیل عنوان «روش پژوهش» در یک مقاله تحقیقی یا گزارش پژوهش، قصه واقعی (عملی) انجام آن پژوهش گفته شود؛ نه آنکه به بازنویسی مطالب انتزاعی کتاب‌های روش تحقیق اقدام گردد. این قصه پژوهش، منحصر به فرد است و همین ویژگی است که آن را ارزشمند می‌سازد. همچنین، در گزارش این انحصار روشی است که می‌توان شاهد معرفی نوآوری‌هایی بود که پژوهشگر به دلیل موقعیت خاص پژوهش خود در روش بررسی آن پرسش اعمال کرده است. بنابراین، انتظار آن است که هر پژوهشگری به‌هنگام گزارش روش پژوهش خود، بر آنچه که پژوهش او را از پژوهش‌های تحت پوشش یک عنوان کلی روشی متمایز می‌کند، تأکید نهند. این سنت پس‌سندیده‌ای نیست که وقتی به چندین مقاله یا گزارش پژوهش مراجعه می‌شود، اغلب آنها اعلام کنند که «روش پژوهش در زمره تحقیقات توصیفی از نوع پیمایشی است»^۱. آموزه پنهان این نوع ارائه روش، تقید به قالب‌های بسته و تقلید بدون دلیل است؛ موضوعی که دست‌کم در سطح نظری همواره بر دوری از آن تأکید می‌شود.

۱. در آخرین شماره منتشر شده یکی از نشریات دارای درجه علمی-پژوهشی در حوزه برنامه درسی کشور که در زمستان ۱۳۹۰ منتشر شده، هفت مقاله به چاپ رسیده است که روش مورد استفاده در پنج مقاله اول به ترتیب

آموزش روش پژوهش، تلاشی است برای آشنا کردن پژوهشگران با اصول و ضوابط مشترک انجام پژوهش. این اقدام با اقتضائاتی همراه است که عمده‌ترین آن، شناسایی اصول و ضوابط مشترک پژوهش‌هاست که وجهی مشترک و البته استنتاج شده در بین پژوهش‌های منحصربه‌فرد محسوب می‌شوند. چنین کاری نیازمند فعالیت‌های تجربی بر اساس واقعیات عملی پژوهش است. به‌همین دلیل، تدوین روش شرط لازم برای آموزش آن محسوب می‌شود. با وجود این، آموزش می‌تواند در فرایند عملی پژوهش نیز محقق شود. مشارکت در یک پژوهش، آموزش عملی دست‌اندرکاران نیز محسوب می‌شود. این نوع آموزش که دارای اثربخشی قابل توجهی است، این مرحله از فرایند به مشارکت گذاشتن، روش پژوهش را به یک مرحله بینابینی در نسبت بین عملی و نظری بودن تبدیل می‌کند. گرچه آموزش روش پژوهش در چنین فرایندی باید دنبال شود، اما شرایط اجرایی دوره‌های تحصیلی دانشگاهی (مخصوصاً از حیث تعداد دانشجو و انگیزه‌های آموزشی آموزشگران) به‌گونه‌ای است که روش تحقیق نیز به صورت کاملاً نظری آموزش داده می‌شود؛ آموزشی که در اثربخشی نبودن آن نباید تردید کرد.

تدوین روش پژوهش، در حقیقت تلاشی برای بازسازی تجربه واقعی فعالیت‌های پژوهشی متعدد پژوهشگران است که در آن نوعی تجرید رخ می‌دهد. اقدام به تدوین، نگاه از وراء به انبوه اقداماتی است که در پاسخگویی به پرسش‌های متعدد شکل گرفته است؛ فارغ از اینکه در تحقق اهداف خود با توفیق یا شکست مواجه شده‌اند. این تجرید پس از تجربه و تحلیل حاصل می‌شود و فعالیت‌های نظری است. تدوین روش پژوهش، فعالیت‌های استنتاجی است که از روش‌های منحصربه‌فرد انجام پژوهش‌های خاص، طبقه‌بندی‌های منطقی برای سامان‌دهی به امور پراکنده را فراهم می‌کند. به‌عبارت‌دیگر، تدوین‌گر روش تلاش می‌کند ارتباط بین مصادیق پژوهش - یعنی پژوهش‌های واقعی - را شناسایی کند و از این ارتباط به شناخت وجوه مشترک و متمایز آنها دست یابد و از آن طریق به مفهوم‌سازی بپردازد و در نهایت مجموعه‌ای از اقدامات پژوهشی مقبول را تحت یک مفهوم واحد سامان دهد و نام روش خاصی را بر آن بنهد. برهمین اساس، روش پژوهش تجربی از روش پژوهش تاریخی متمایز می‌شود در حالیکه هر پژوهش واقعی

«توصیفی - پیمایشی؛ توصیفی از نوع پیمایشی؛ زمینه‌یابی (توصیفی)؛ از نوع مطالعات توصیفی؛ از نوع مطالعات توصیفی-تحلیلی» اعلام شده و دو مقاله دیگر نیز روش پژوهش را «تحلیل محتوا» و «نیمه‌تجربی» گزارش کرده‌اند.

تحت پوشش روش تاریخی، دارای اختصاصات مخصوص به خود است. چنین عملی را کسانی می‌توانند به‌انجام رسانند که خود به‌عنوان پژوهشگر به‌انواعی از این روش‌ها پژوهش کرده و به گزارش‌های صادقی از روش‌های انجام پژوهش دسترسی داشته باشند. این تدوین‌کنندگان، لزوماً کسانی خواهند بود که در کار خود به‌خبره‌گی دست یافته‌اند. پس، می‌توان انتظار داشت که نویسنده یک اثر (کتاب) در موضوع «روش پژوهش»، بیش از هر چیز دیگر به‌عنوان پژوهشگر در آن عرصه از مقبولیت و شهرت برخوردار باشد. اما، آیا در جامعه علمی کنونی ایران، چنین اهمیتی دیده می‌شود؟ آیا همه آنان که در کار تألیف کتاب‌های روش تحقیق، مقاله‌نویسی و راهنمای تنظیم طرح‌نامه برای فعالیت‌های پژوهشی در حوزه علوم تربیتی (و حتی علوم انسانی) از نزدیک دستی بر آتش دارند، پژوهشگران واقعی این عرصه‌اند؟ یا آنکه کسانی هم هستند که به‌دلیل حضور در یک کلاس درس روش تحقیق و پیش از آنکه خود را به‌انجام تحقیق آلوده کرده باشند، دست‌بکار نگارش کتاب‌های روش تحقیق می‌شوند و دانشجویان و علاقمندان را با بدآموزی به‌گمراهی می‌کشاند؟

شواهد حاکی از آن است که پروژه «کتاب‌سازی» توسط عده‌ای از کسانی که «دیر آمده اما می‌خواهند زود برسند» در دست انجام است و این واقعه در حوزه روش تحقیق یک فاجعه تمام عیار محسوب می‌شود. در اینجا، به‌آیندگان آموزش داده می‌شود که در حوزه علم به‌چه‌نحو عمل کنند. وقتی به‌طور عملی شخصی به‌بیانی (دستوری) می‌پردازد که خود مصداق بارز روی‌گردانی از آن است، آن‌انکه آثار پنهان آموزش را می‌دانند می‌توانند برآورد کنند که چه فاجعه‌ای رخ داده است. درعین‌حال، تدوین نیز شکل‌های متفاوتی دارد و بر هر یک از آن اشکال اصولی حاکم است. تدوین علمی-آموزشی یکی از آن شکل‌هاست و به‌تدوینی اطلاق می‌گردد که «یادگیری مخاطب» در اولویت تدوین آن اثر قرار دارد؛ هر چند که در آن به «مدل بودن» محتوا و مدعاها هم‌عنایت ویژه می‌شود. در تدوین علمی-آموزشی گاه گروه خاصی مورد نظر است و گاه به‌گروه خاصی نظر نمی‌شود. تنظیم نوع دوم البته به‌مراتب مشکل‌تر از نوع اول است. وقتی که فاجعه کتاب‌سازی با هدف علمی - آموزشی به‌انجام می‌رسد و گاه حتی مخاطبان جز به‌همان اثر برای کسب آموزش ارجاع نمی‌شوند، عمق بیشتر خطر آشکار می‌شود.

پس؛ اگر به «دانایی» به‌عنوان ضرورت زیست در آینده نظر می‌شود و تأکید آموزه‌های دینی بر این موضوع مورد‌عنایت است و پژوهش به‌عنوان مسیر انحصاری کسب دانایی آدمیان

محسوب می‌گردد، ضرورت دارد در هر سه مرحله فرایند به‌مشارکت گذاشتن پژوهش یعنی ارائه روش، آموزش روش و تدوین روش پژوهش تجدید نظر شود و سنت‌ها و سبک‌های «مقلدساز» کنونی به آداب و اخلاق «محقق‌پرور» تغییر یابد.

نعمت‌الله موسی‌پور

سر دبیر

Archive of SID